

تصحیح ابیاتی از حدیقه سنایی براساس قدیمی‌ترین نسخه خطی

دکتر مریم حسینی*

پیکیده:

مقاله حاضر به مقایسه بعضی از ابیات مندرج در حدیقه سنایی مصحح مدرس رضوی منتشر در سال ۱۳۳۰، با ابیات قدیمی‌ترین نسخه خطی حدیقه سنایی به نام فخری نامه که در سال ۵۵۲ هـ کتابت شده پرداخته است و سعی به عمل آمده تا دلایلی برای اثبات اینکه حدیقه دارای دو تحریر متفاوت است ارائه شود. به نظر می‌رسد حدیقه یک بار در ده هزار بیت با عنوان حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه و باری دیگر توسط خود شاعر در پنج هزار بیت با عنوان فخری‌نامه تدوین شده است. همین دو تحریری بودن متن از دلایل مهم تفاوت فاحش نسخه‌های خطی حدیقه سنایی است.

مقدمه

در این بررسی سعی می‌شود صورت صحیح بعضی از اغلاط موجود در نسخه چاپی مدرس با توجه به نسخه بغداد لی‌وهبی قدیمی‌ترین نسخه خطی داده شود و معلوم شود که با تصحیح مجدد حدیقه بسیاری از ابیات نامفهوم، نادرست و پیچیده آن، صحیح و روشن و مفهوم خواهد شد.

تمامی مجموعه آثار سنایی اعم از مثنوی‌های تعلیمی (حدیقه الحقیقه-سیرالعباد-کارنامه بلخ و) و مجموعه دیوان شامل قصاید، غزلیات و سایر انواع سرودهای سنایی سال‌ها پیش از این به همت شادروان مدرس رضوی انتشار یافته و هنوز بعد از گذشت حدود پنجاه سال دیگری گرد تصحیح و شرح این آثار نگشته است.

مرحوم سید محمد تقی مدرس رضوی در چاپ مجموعه آثار سنایی بنا را بر جمع آوری جمیع ایات اصیل و منسوب به شاعر گذاشت و بیشترین تعداد ایات را در هر یک از مجموعه‌های شعرش ارائه داد. در این میان حدیقه الحقیقه که به سال ۱۳۳۰ هـ جزو سلسله انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسید حاوی ۱۱۵۰۰ بیت است.^۱

هلموت ریتر در مقاله مفصلی که اندکی پس از چاپ حدیقه انتشار داد تصحیح مدرس رضوی را ارزیابی کرده است.^۲ ریتر از عدم دقت، عدم اشاره درست به منابع، انتخاب اختیاری نسخه‌های خطی و حذف نشانه‌های مربوط به تفاوت‌های موجود در نظم و ترتیب ایات و فصل‌ها انتقاد می‌کند.^۳

تصحیح مدرس رضوی را می‌توان جامع ایات حدیقه دانست. ایشان که نسخه‌های معتبر و قدیمی را هم در دست داشته‌اند به دلخواه از تمام نسخ ایاتی را وارد نسخه خود نموده‌اند. بنابراین کمتر بیتی را می‌توان در نسخه‌ای یافت که مدرس رضوی آن را در مجموعه ایات حدیقه جای نداده باشد. نسخه اساس مرحوم مدرس رضوی نسخه خطی متعلق به ملک الشعراء بهار مورخ سال ۷۵۸ هـ بوده است. ولی به خواست مصحح هر بیتی در هر کجا که لازم دیده شده جای گرفته و روش روشنی در تصحیح وجود ندارد.

۱ - سنایی، حدیقه الحقیقه، تصحیح مدرس رضوی، انتشارات دانشگاه تهران - چاپ ۱۳۶۸، مقدمه

۲ - دبروین، حکیم اقلیم عشق، ترجمه مهیار علوی مقدم - محمد جواد مهدوی - انتشارات آستان قدس - چاپ اول

۱۳۷۸ - ص ۳۰۰ p.123 of piety and poetry, De Brojin, 1983, Leiden

۳ - همان، ص ۳۰۰

با توجه به درهم ریختگی ابیات در نسخه‌های گوناگون حدیقه و عدم وجود نظم صوری یا معنایی میان آنها و همچنین تعداد ابیات متغیر در نسخه‌ها (از حدود ۳۸۰۰ بیت در نسخه خطی خلیل اینالجعق (شیکاگو) به تاریخ ۵۸۸ هـ تا ۱۴۰۰۰ بیت در نسخه ایاصوفیا به تاریخ ۷۲۸ هـ) مسلماً تصحیح حدیقه بدون ارزیابی همه نسخه‌ها کاری محال و غیرممکن است.^۱

در مقدمه نثری بعضی از قدیمی‌ترین نسخه‌های حدیقه مطالبی وجود دارد که حقایق بسیاری را درباره سنایی و آثارش آشکار می‌کند. نسخه بی تاریخ کابل که تاریخ کتابتش را خلیل الله خلیلی از دانشمندان افغانی نیمه دوم قرن ششم می‌داند.^۲ حاوی مقدمه‌ای از اصل انشای سنایی است که پیش از حدیقه وی قرار گرفته است. این مقدمه با افزایش‌هایی در بعضی بخشها در نسخه بایزید ولی الدین مورخ ۶۸۴ هـ و مقدمه نسخه اسعدافندی مربوط به قرن ۶ و ۷ هم دیده می‌شود.

از مطالعه این مقدمه روشن می‌شود که سنایی دو تحریر متفاوت از حدیقه ارائه داده است که یکی از آنها ده هزار بیت را در بر دارد و همان نسخه‌ای است که سنایی جهت برائت ساحت خود از تهمتی که حاسدان به وی زده‌اند. خطاب به برهان الدین بریانگر به بغداد می‌فرستد و دیگری نسخه‌ای که جهت تقدیم به «سلطان بهرامشاه آماده می‌کند و حدود ۵۰۰۰ بیت را در بر دارد. سلطان عالم ابوالمظفر بهرامشاه... مثال فرمود در شب پنجشنبه سال بر پانصد و بیست و هفت هلالی که او... در سلک خدم منخرط و منتظم شود و به غبار بساط میمون متجمل گردد. چون نام بنده را از دیوان عوام در جریده خواص ثبت فرمود، من پاس آن سپاس به دیده جهان دیده بداشتم... بنده شکرانه این موهبت را مجموعی انشاء کرد که از روزگار آدم تا نوبت او هیچکس کتابی برین نسق ساخت و آن را الحدیقه فی الحقیقه والشریعه فی الطریقه به تازی و «فخری نامه» به پارسی نام نهاد.^۳

نسخه کابل با حدود ۵۴۰۰ بیت و تحریری متفاوت از نسخه‌های دراز بیت ده هزار بیتی سنایی مؤید دو تحریر گوناگون از حدیقه است.

۱ - حسینی، مریم، مقاله ناقصی بانظام و کاملی ناتمام، رشد آموزش ادب فارسی پاییز ۷۵

۲ - کبیات اشعار حکیم سنایی، چاپ عکسی، کوشش علی اصغر بشر، افغانستان ۱۳۵۶، مقدمه ص دو

۳ - همان مقدمه نثری سنایی، ص ۷-۵

قدیمی‌ترین نسخه‌ای که از حدیقه سنایی در دست است نسخه‌ای است حدود ۵۲۰۰ بیت با عنوان فخری‌نامه مورخ ۵۵۲ هـ با نام بغدادلی وهبی که در کتابخانه استانبول ترکیه نگهداری می‌شود. این نسخه با داشتن صورت‌های قدیمی متن یکی از معتبرترین نسخه‌ها در بررسی حدیقه به شمار می‌رود. اگر سالمرگ سنایی را بنا بر تحقیق دکتر شفیع کدکنی و روایت مقدمه کابل ۵۲۹ هـ بدانیم فخری‌نامه ۲۳ سال پس از مرگ سنایی در قونیه برای مجلس ابوعلی قاضی زرگر کتابت شده است دبروین معتقد است نسخه بغدادلی وهبی بنا به ماهیت بی‌نظیرش و خالص‌ترین شکل ارائه شعر بهترین منبع برای بازسازی حدیقه اصیل است.^۱

قدیمی‌ترین نسخه تاریخ دار حدیقه پس از فخری‌نامه نسخه‌ای است مورخ ۵۸۸ هـ از مجموعه شخصی پروفیسور خلیل اینالجبق که از مدح امام شافعی شروع می‌شود، در حدود ۱۲۰۰ بیت افتادگی دارد. تعداد ابیات این نسخه ۳۸۰۰ بیت است این متن ناقص است و صفحات بسیار نامنظم کنار هم قرار گرفته‌اند.

این سه نسخه بر روی هم قدیمی‌ترین صورت‌های متن حدیقه را ارائه می‌دهند و با توجه به تعداد ابیات آنها تعداد حکایات و ترتیب ابیات و فصول گواه وجود تحریر ۵۰۰۰ بیتی از حدیقه هستند که توسط خود سنایی فراهم شده است ولی چون اجل به سنایی مهلت نمی‌دهد این نسخه ناقصی با نظام و کاملی ناتمام می‌ماند و سلطان بهرامشاه بعدها محمدبن علی الرفاء را بر آن می‌دارد که این نسخه را مرتب کند. ظاهراً بغدادلی وهبی همان صورتی است که سنایی بدون ترتیب بعدی فراهم آورده است و دو نسخه دیگر تحت نظارت محمدبن علی الرفاء کتابت شده است. در نسخه بغدادلی وهبی مدح بهرامشاه و پسرش دولتشاه در پایان نسخه آمده است در حالی که در نسخه کابل و اینالجبق ستایش پادشاه بعد از مدح پیامبر اکرم و خلفای چهارگانه امام حسن و امام حسین و امامین ابوحنیفه و شافعی قرار می‌گیرد و آن شکل سنتی ترتیب مدیحه‌های شعر فارسی را حفظ می‌کند. در ضمن دو نسخه کابل و اینالجبق علاوه بر مدح بهرامشاه و دولتشاه ستایش تعدادی از وزراء و قضات و بزرگان غزنین را نیز به همراه دارد که نسخه بغدادلی وهبی فاقد این ابیات است.

آنچه از اختلافات بین این سه نسخه نتیجه گرفته می‌شود اینکه نسخه کابل و اینالجبق نسخه‌هایی از تحریری هستند که توسط محمدبن علی رفاء فراهم شده بود تا به پادشاه اهداء گردد و نسخه بغدادلی وهبی همان نسخه‌ای است که سنایی در پایان عمر مشغول مرتب کردن آن بوده ولی موفق به اتمام آن نشده است. جلو آمدن مدح بهرامشاه در پی مدح امامین و افزونی بخش‌هایی در ستایش بزرگان غزنه و همچنین گسترش مدح بهرامشاه در آغاز این بخش در دو نسخه کابل و اینالجبق دلایلی برای تأیید این فرضیه می‌باشند.^۱

به هر حال وجود این سه نسخه به همراه مقدمه حدیقه بر ما معلوم می‌دارد که به طور قطع تحریری از متن با حدود ۵۰۰۰ بیت موجود بوده است. و با گذشت زمان به سبب وجود تحریر کاملتر آن که حدود نه تا ده هزار بیت است این تحریر مورد توجه واقع نشده و استساخته نگردیده است.

مقایسه بسیاری از ابیات فخری‌نامه سنایی (نسخه ۵۰۰۰ بیتی) و حدیقه نه تنها دوگونگی تحریر را اثبات می‌کند بلکه در بعضی موارد اغلاط نسخه حدیقه نیز روشن می‌شود.

حدیقه تصحیح مدرس رضوی ابیات فراوانی را در بر دارد که شکل بیت هیچ مفهوم روشنی را ارائه نمی‌دهد. به همین جهت شرح بسیاری از ابیات با موانع مختلفی روبه‌رو است. این موانع نه تنها دشواریهای فلسفی، عرفانی و حکمی است بلکه به جهت تحریف و تصحیف کاتبان و توالی نامنظم و درهم ریخته ابیات خواننده متن از پی‌گیری مطلب ملول می‌شود و همین امر موجب می‌شود که براون حدیقه را کسالت آورترین شعر پارسی بداند.^۲

برای نمونه سه بیت زیر که به ترتیب در صفحات ۲۳۴، ۲۴۰ و ۲۴۴ نسخه مدرس رضوی آمده‌اند در فخری‌نامه در کنار هم جای دارند:

پس به فاروق یافت عز و کمال

دین به دقت عتیق بود هلال

چون به حیدر رسید خود برسید

گاه با عمرو کرد نقص پدید

۱ - مقاله ناقصی با نظام و کاملی ناتمام، ص ۳۰

۲ - حکیم اقلیم عشق ص ۲۹۴ و lbid- p. 119

بعد با عمرو حیدر کرار گشت بر شرع مصطفی سالار

فخری‌نامه (۲۳-۱۴۲۱)

یا مصرع بی معنی «زاید از خلق او چو گل ز نسیم» (صفحه ۵۱۳ حدیقه) که در مقابله با متن فخری‌نامه و تصحیح زایر به جای زاید مفهوم و زیبایی خود را باز می‌یابد.

میوه شاخ جود او هموار به همه جا رسیده طوبسی وار

زایر از خلق او چو گل ز نسیم دست چون چشم نرگس از زر و سیم

فخری‌نامه (۲-۴۰۷۱)

مدرس رضوی با همه کوششی که در جمع ابیات متفرق حدیقه در نسخه‌های مختلف نشان داده غافل از چند بیتی مانده است که در نسخه بغدادلی وهبی مورخ ۵۵۲ هـ آمده است و در هیچ نسخه دیگری دیده نمی‌شود. مدرس رضوی از این نسخه با رمز «س» در تصحیح خود سود برده است. این ابیات اندرز و هشدار به بهرامشاه غزنوی است و شاید به دلیل لحن تند شاعر هیچیک از کاتبان پس از او ابیات را نقل نکرده است:

زینهار ای خدایگان جهان از شیاطین نگاه دار ایمان

در قیامت عذاب خواهد بود ذره ذره عتاب خواهد بود

در قیامت شما به طول و به عرض با شیاطین و طاغیان

با مسیحا که پاک انفاس است سهم عانت قلت للناس است

فخری‌نامه ۴۱-۴۵۳۷

که زینهار است پادشاه جهان را در حفظ ایمان و ترساندن از عقوبت آخرت. شاعر در بیت آخر به خطاب تند خداوند به مسیح اشاره می‌کند:

و از قال الله یا عیسی ابن مریم عانت قلت للناس اتخذونی و امی الهین من دون الله. قال سبحانک مایکون لی ان اقول ما لیس لی بحق... (مأئده ۱۱۶)

«و چنین بود که خداوند گفت: ای عیسی بن مریم آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را همچون دو خدا به جای خداوند پرستید؟ گفت: پاکاکه تویی مرا نرسد که چیزی را که حد من

و حق من نیست گفته باشم.^۱

در حدیقه مدرس بعضی افتادگی‌ها هم دیده می‌شود برای نمونه در بیت زیر که در تمام نسخ حدیقه هست و در کشف الایات چاپ مدرس هم نشانه آن موجود است ولی در متن نیست:

کن دو حرف است بینوا هر دو
هر دو عرست بر هوا هر دو
ذات اوسوی عارف و عالم
برتراز ما و کیف و زهل و لم

فخری‌نامه ۴۵/ - ۱۴۴

در مقابله ایات زیر کوشش می‌شود در عین روشن کردن معنی بعضی ایات حدیقه و اثبات دو تحریری بودن متن بعضی از اغلاط حدیقه چاپی نیز تصحیح شود.

۱- بیت:

گرچه موسی به سوی نیل شدی
نیل چون پر جبرئیل شدی
حدیقه/ ۱۹۹

در فخری‌نامه صورت قدیم تر و اصیل تری را نشان می‌دهد:

گرچو موسی به سوی نیل شدی
نیل چیزوم جبرئیل شدی
فخری‌نامه/ ۱۰۵۰

که چیزوم نام اسبی از اسبان فرشتگان است که جبرئیل بر آن سوار شدی.

این بیت در میان سلسله ایاتی در تفضیل پیامبر اکرم (ص) و ستایش وی آمده است. در بیت پیش از آن سنایی می‌فرماید:

خدمتش را زیارگاه بلند
خواجه سدره شد جلاجل بند

که جلاجل زنگوله‌های کوچکی است که بر چرم دوزند و برگردن اسب آویزند. روشن است که جلاجل در این بیت با چیزوم بیت بعد مناسبت دارد. در ضمن در نسخه مدرس گرچو آمده است که درست نیست و گرچه صحیح است و معنی ایات این است که خواجه سدره (جبرئیل) جلاجل بنداسب حضرت است و اگر او چون موسی روی سوی نیل آرد نیل در خدمت

او چون حیزوم اسب جبریل رام خواهد بود. این بیت در نسخه کابل نیز به همین شکل آمده است. در ضمن بعید نیست که سنایی در تحریر اول حیزوم و در تحریر بعدی شکل فعلی نسخه چاپی را آورده باشد.

۲- هر که در ملک او منی کرده از ره راست توسنی کرده حدیقه/۱۰۱
که در فخری‌نامه صورت کهن تر آن این است:

هر که در ملک او منی کرده با اجادلش توسنی کرده
فخری‌نامه/۴۴۰

که اجادل نام اسب ابوذر غفاری و جلاس کندی و مشجعه جدلی است (لغتنامه دهخدا) و بعید نیست که سنایی در تحریر اول اجادل و در تحریر دوم صورت حاضر نسخه چاپی را آورده باشد.

۲- در همان صفحات ابتدایی حدیقه بیتی آمده که در نسخه فخری‌نامه صورت کهن تر آن ضبط شده است:

جمع کردی بر اولین پایه خردوجان و صورت و مایه

حدیقه/۷۲

شده دردم یکدگر پایه ماه علوم انسانی و مطالعات خردوجان و صورت و مایه
که تعبیر دردم شدن به معنی به دنبال هم آمدن آن سالها درخراسان رایج بوده است. در چهار مقاله نظامی عروضی می‌خوانیم: "چون مهرگان در آمد و عصیر در رسید و شاه سفرم و حماحم و اقحوان دردم شد"^۱

در این جمله "دردم شدن" می‌تواند تأییدی بر صورت کهن فخری‌نامه باشد. مرحوم بهار در ذیل این جمله نوشته‌اند که دردم استعمال عجیبی است و هیچ جا در نظم و نشر ندیده‌ام و مرحوم معین نوشته است که این تعبیر غلط است و اصل آن دمام است.^۲

۱ - نظامی عروضی سمرقندی، چهار مقاله، تصحیح دکتر معین، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹ ص ۵۰

۲ - همان، حاشیه مصحح

۳- در حدیقه مدرس حکایتی اینگونه آغاز می‌شود:

رادمردی کریم پیش پسر

داد چندین هزار بدره زر

حدیقه ۷۵/

بنظر نمی‌رسد که سنایی صفت رادمرد را کریم بیاورد چرا که رادمرد مرکب از راد و مرد است و راد به معنی بخشنده، کریم، شجاع و دلیر است. و شواهد بسیاری در معنی کریمی و بخشش موجود است:

حاتم طایی تویی اندر سخا

رستم دستان تویی اندر نبرد

نی که حاتم نیست با وجود توراد

نی که رستم نیست در جنگ تو مرد

و در لغت نامه دهخدا ذیل معنی رادمرد کریم طبع و آزادمرد آمده است و رادمردی عمل رادمرد که کریم طبع و بخشنده است می‌باشد. در ضمن دلایل رادمرد حکیم برای پسرش که بر عمل پدر خرده می‌گیرد تراوشات ذهن حکیمانه مرد سخاوتمند است آنجا که می‌گوید:

قسم تو بی وصی و بی انباز

من به حق دادم او دهد به تو باز

اوست چون کارساز و مولی ما

اونه بس دین ما و دینی ما

اوبجز کارساز جان ها نیست

نکنند باتو ظلم از آنها نیست

حدیقه ۷۵/

پس صورت فخری‌نامه صحیح است که سنایی می‌فرماید:

رادمردی حکیم پیش پسر

داد چندین هزار بدره زر

فخری‌نامه ۱۰۸/

شیه همین تصحیح را در بیتی دیگر هم داریم:

۵- سفله دارد زبهر روزی بیم

نخورد دیگ گرم کرده حکیم

حدیقه ۱۰۷/

که در فخری‌نامه به صورت زیر اصلاح می‌شود:

سفله دارد زبهر روزی بیم نخورد دیگر گرم کرده کریم

فخری‌نامه/۴۸۵

در این بیت صورت کریم از حکیم موجه تر است چرا که کریم است که به واسطه بذل و بخشش غذای شب مانده نمی خورد.

۶- از جمله ابیاتی که معنی آنها در حدیقه چاپی معلوم نیست دو بیت زیر است:

چه کنی جستجوی چون جان تو تو بدان نوش کن چو ایمان تو
توندانسی به پارسی ماسی چون نخوردیش طعم شناسی

حدیقه/۱۱۴

که در تعلیقات هم اشاره ای به معنی آن نشده است:

این ابیات در فخری‌نامه به صورت زیر است:

چه کنی جستجوی چون جان تو تو بدان نوش کن چو ایمان تو
تومدان ار تو به پارسی ناسی چون بخوردیش طعم شناسی

فخری‌نامه/۵۵۳

بنابر یادداشت های جناب آقای دکتر شفیعی کدکنی در تعلیقات اسرارالتوحید تومدان کلمه‌ای ساخته شده از تو + مدان (نهی از دانستن) است که ظاهراً به مواردی که در خور فهم انسان نیست اطلاق می شده است.^۱ شیخ گفت: این تومدان مهنگی است. و باز در جای دیگر در همان کتاب آمده که پدر ما روزی ما را بدید سربرهنه و پای برهنه و تن برهنه، او را طاقت برسید. گفت: ای پسر آخر این را چه گویند؟ گفتیم: این را تومدان مهنگی گویند.^۲

۷- از جمله ابیاتی که دو تحریر کاملاً جدا در دو مصرع ارائه می دهد بیت زیر است:

پی منه بانفاسق بردرگاه به توکل روند مردان راه

حدیقه/۱۱۷

۱ - محمدبن منور، اسرارالتوحید، تصحیح شفیعی کدکنی، انتشارات آگاه چاپ اول، ۱۳۶۸ ص ۴۳

۲ - همان، ۳۲

این بیت در فخری‌نامه به صورت دیگری ضبط شده است.

راه بی نور کرده دارد شاه به توکل روند مردان راه

فخری‌نامه/۵۶۷

که کاملاً حکایت از دو تحریر متفاوت در دو زمان دارد.

۸- باز از ابیاتی که دو تحریر متفاوت از متن ارائه می‌شود و دو تصویر مختلف را هم ایجاد می‌کند بیت زیر است:

در طریقت سرو کلاه مدار ورنه داری چو شمع دل پرنار

حدیقه/۱۲۷

که صورت کهن و اصیل و زیباتر آن در فخری‌نامه بیت زیر است:

در طریقت سرو کلاه مدار ورنه بداری چو شمع دل دار از نار

فخری‌نامه/۶۱۱

که در بیت اول شعله شمع از دل پر آتش حکایت می‌کند و در بیت دوم سرو کلاه را به شعله شمع که بر سر آن می‌سوزد تشبیه کرده است.

۹- از جمله غلط‌های مسلم متن مدرس رضوی که با فخری‌نامه تصحیح می‌شود بیت زیر

است:

تانگشتی درین گذرگه تنگ با دو روحی و لعبت یکرنگ

حدیقه/۱۲۸

که به هیچ وجه نمی‌توان معنی قابل توجهی برای آن تصور کرد. این بیت در فخری‌نامه به

صورت زیر است:

تانگشتی درین گذرگه تنگ یای روحی و لعنتی یکرنگ

فخری‌نامه/۶۲۱

که اشاره به آیه و نفخت فیه من روحی (سوره حجر آیه ۲۹ و سوره ص آیه ۷۲) در حق آدم

و آیه ان لعنتی علیک الی یوم الدین (سوره ص آیه ۷۸) خطاب به شیطان دارد.

۱۰- از ابیات دیگری که در فخری‌نامه تحریر متفاوتی را نشان می‌دهد بیت زیر است:

هان وهان زود بسته کن ره آه

حکم حق چون سوی تو کرد نگاه

حدیقه/۱۶۷

در فخری‌نامه :

جان برآر از پی نثار نه آه

حکم حق چون سوی تو کرد نگاه

فخری‌نامه/۲۵۹

۱۱- در ادب فارسی تمثیل «آتش از چنار جستن» و «یا» آتش از خیار جستن « بارها به صورت‌های مختلف به کار رفته است. سنایی نیز در حدیقه این تمثیل را به کار می‌گیرد، با این تفاوت که در حدیقه مدرس این تمثیل به صورت آتش از چنار جستن است در حالی که در فخری‌نامه به صورت آتش از خیار جستن آمده است:

آتش از آتشی بدارد دست

چون به عشق از چنارت آتش جست

حدیقه/۱۶۸

آتش از آتشی بدارد دست

چون به عشق از چنارت آتش جست

فخری‌نامه/۲۷۵

پس کدام درست است؟ آتش از چنار جستن یا خیار جستن؟ روشن نیست در لغتنامه دهخدا ذیل عبارت آتش از چنار برآمدن. آمده است که منظور جستن امری ممتنع و محال است و این بیتها شاهد آن آمده است:

از دست دهر بود چون کاتش از خیار

بی آبروی دست تو هر کس که آب یافت

انوری/۴۰

و باز از انوری :

که دلم ره آتش غمش برهد

یارب آن آتش از خیار جهد

و نیز آتش از خیار بجهد یا برنیاید به معنی توقع و انتظاری نه به جای خویش معنی شده و این

بیت از سنایی شاهد آمده است:

چون جهد ناگه از خیار آتش

کی شود دهر با تو یک دم خوش

جناب آقای دکتر شهیدی در شرح مشکلات دیوان انوری به این تمثیل پرداخته اند.^۱ با توجه به اینکه انوری نیز چندین بار این عبارت را بکار برده است. ایشان نیز شواهد و نمونه هایی را ذکر کرده اند که در بعضی موارد بصورت آتش از چنار بر آمدن و در بعضی موارد به صورت آتش از خیار بر آمدن است.

در ذیل واژه آتش در لغتنامه چنین آمده است: آتش چنار از چنار است آنچه از بدی که به ما می رسد نتیجه کارهای ما یکسان است:

کفسن بر تن تند هر کرم پيله بر آرد آتش از خود هر چناری

عطار

دکتر شهیدی بحث مستوفایی را در توضیح این ابیات داشته اند و در پایان معلوم نکرده اند که کدام درست است. آیا آتش از چنار جستن بوده سپس کاتبان به خیار تحریف کرده اند و لغویان بعدی برای آن وجه اشتقاقی ساخته اند یا آنکه آتش از خیار جستن استعمالی رایج بوده و سپس فراموش شده است.

با توجه به نسخ قدیمی حدیقه یعنی نسخه بغدادلی وهبی و نسخه کابل بر ما روشن میشود که مسلماً سنایی آتش از خیار جستن استفاده کرده است و در هر نسخه قدیمی به همین صورت است و چنار تصرف کاتبان بعدی است.

چون به عشق از خیار آتش جستن آتش از آتشی بدارد دست

فخری نامه ۲۷۵/

که در اینجا به معنی وقوع امر محال است یعنی آنگاه که عشق آتشین و حقیقی که کمتر واقع می شود و امری محالی است در تو گرفت بدان که همان گونه که آتش بر ابراهیم سرد شد بر تو نیز سرد می شود.

نظیر این بیت در همین معنی ابیات زیر است:

یارب آن آتش از خیار جهد که دلم ز آتش غمش برهد

انوری

آبی از روزگار اگر بپریم

آتش دان که از خیار آید

انوری

نکرد هم نکند حاسد تو کار صواب

بخست و هم نجهد هرگز از خیار آتش

ادیب صابر

اما با توجه به مثل آتش چنار از چنار است و نیز آتش از چنار بوده برآید می‌توان گفت که
مسلمانا بعضی ایبات در معنی آتش چنار از چنار است آمده باشد.

نظیر مثل معروف: «از امانت که بر ماست» برای نمونه:

برآرد آتش از خود هر چناری

کفن بر تن تند هر کرم پیله

چون آتشی از چنار جسته

نامت به بیان مردمان در

عطار

و بیت:

بی آبروی دست تو هر کس که دست یافت / از دست چرخ بود چنان کاتش از خیار^۱
در دیوان انوری تصحیح مدرس چنار آمده است که مسلماً غلط است و خیار درست است و
کنایه از امر محال و ناممکن است.

نظر نگارنده هر دو صورت آتش از خیار جستن و چنار جستن به دو معنی مختلف در میان قدما
رایج بوده است. اولی به معنی و کنایه از امر محال و ناممکن و دومی معمولاً به معنی اینکه آنچه
که از هر کس سر می‌زند ناشی از خود اوست. آقای دکتر شهیدی سوال کرده‌اند که از میان
میوه‌ها چرا خیار؟ چرا اگر آتش از خیار بجهد کنایه از امر محال است و نه میوه ای دیگر؟ جواب
این است که ظاهراً با توجه به تجانس لفظی چنار و خیار مثلی به این صورت رایج بوده است:

“آتش از چنار برآید از خیار نیاید” و از هر نوع بخش این مثل شعرا و ادبا به ضرورت سودجسته‌اند.

آنکه دی نثار بود شد دیندار

۱۲- بیت رهروان راز احمد مختار

حدیقه/۲۰۰

در حدیقه چاپی به صورت زیر با توجه به نسخه بغدادلی وهبی تصحیح می شود:

رهروان راز احمد مختار آنکه دی نار بود شد دینار

فخری نامه/ ۱۰۶۱

که اشاره به مالک بن دینار عارف و صوفی معروف قرن سوم هجری دارد^۱ و استفاده زیبایی سنایی از جناس دی نار و دینار نیز آشکار می شود.

۱۳- در اشاره به واقعه شق صدر حضرت رسول (ص) در حدیقه می خوانیم:

سینه او گشاد روح نخست هر چه جز پاک دید پاک بشست

درز برداشت در زمان از وی بند بگشاد همچنان از وی

حدیقه/ ۲۰۰

اغلب اهل سیره و حدیث ماجرای شکافتن سینه حضرت رسول و بیرون آوردن دل آن حضرت را توسط ملائکه و جبرئیل در کودکی حضرت نقل کرده اند^۲ که در یکی از روزهایی که محمد در کنار کودکان حلیمه سرگرم بازی بود فرشتگان آسمان محمد را بالا بردند، قلبش را از سینه درآوردند و در تشتی شستند و آن را پر از حکمت و نور و علم کردند و دوباره بر جای نهادند و دوختند چنانکه وی را هیچ رنج نرسید از شکافتن و دوختن، و اثر آن دوختگی پیدا بود چون جراحی^۳ با توجه به داستان صورت صحیح بیت آن است که در فخری نامه آمده است:

سینه او گشاد روح نخست هر چه جز پاک دید پاک بشست

درز برداشت در زمان از وی درز بگذاشت همچنان بروی

بهر آن تاکید درین بنیاد چون رفویند از رفوگریاد

فخری نامه/ ۷۷-۱۰۷۵

که اشاره به باقی ماندن جای شکاف و درز آن بر سینه مبارک حضرت است .

۱۴- در صفحه ۲۱۶ حدیقه چاپی بییتی پیچیده و معمول و در ستایش رسول اکرم (ص) دیده می شود.

۱- ر.ک. عطار تذکره الاولیاء، تصحیح استعلامی، انتشارات زوار، چاپ چهارم ۱۳۶۳، ص ۴۹

۲- مدرس رضوی، تعلیقات حدیقه الحقیقه، انتشارات علمی ۱۳۴۴، ص ۲۸۱

۳- همان، ۲۷۲

خلقتش بر صلاح بخل و نثار

خلق را نیش بخشش و نوش گوار

حدیقه/۲۱۶

این بیت ظاهراً تحریف بی‌تی است که در فخری‌نامه صورت زیر را دارد:

مجلسش بر صلاح غل نثار

خلق را نوش بخشش نیش گزار

فخری‌نامه/۱۰۳۷

وجود گرامی پیامبر اکرم سراپا انگین و عسل است (محبوب به معنی انگین است و به جای بخل نحل است که زنبور عسل معنی دارد) و چون زنبوری است که از وجودش عسل و انگین می‌ریزد و نیشی ندارد که با توجه به توالی ابیات و بیت بعد از آن به بخشش بی حد و عام حضرت و برخورداری همه انسانها از او اشاره دارد.

زوفلک و ار مسجد و مومن

زوکنشست و کلیسیا ایمن

حدیقه/۲۱۹

۱۵- بیت نامفهوم

به دل خون زبهر سرو یقین

دین روان کرده در یکاد ویین

حدیقه/۲۲۱

در فخری‌نامه به این صورت است: *پایان جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

به دل خون زبهر سرو یقین

دین روان کرده در تکاب و تین

فخری‌نامه/۱۲۳۷

تکاب به معنی زمین شیب دار و تین کهکشانی را هم گویند. مراد از تکاب و تین زمین و آسمان است. معنی بیت این است که محمد برای پابرجا کردن سر و یقین با دلی پر خون دین را در زمین و آسمان اشاعه داده است.

۱۶- ابیات زیر نمودار دو تحریر کاملاً متفاوت است:

چشمها دیده ور زدیدارش

سمعها شمعدان زگفتارش

حدیقه/۲۲۸

که در فخری‌نامه به صورت زیباتر

سمعها شمعها ز گفتارش

جسمها چشمها ز دیدارش

فخری نامه / ۱۴۶۰

آمده است. در بیت فخری نامه استفاده از صنعت جناس که مورد علاقه سنایی هم بوده دیده می شود.

۱۷- در بیان عدم گرایش سنایی به فرق مذهبی و ترجیح نهادن یکی بر دیگری و بی تعصبی در مذهب ابیاتی در دیوان وی دیده می شود. در میانه بعضی از آنها خطاب به رافضیان و اندرز به ایشان که علی را مظلوم و ستم دیده دو خلیفه پیش از وی می دانستند و در ستایش از ابوبکر می نویسد:

آنکه نستد ز حق حلال فلک	کی به خوردن دهد حرام فدک
گر نه جاننش لطافتی بودی	ورنه صدقش خلافتی بودی
مصطفی کی بدوسپردی ملک	یا ز حیدر چگونه بردی ملک
آنکه جان ز آل صخر بستاند	کسی ز تیم وعدی فرو ماند

فخری نامه / ۴-۱۳۳۱

مصرع نوع دوم بیت آخر در نسخه مدرس بدین صورت است: کی زیم عدد فرو

ماند. حدیقه / ۲۳۲

که تحریف بیت کاملاً هویدا است. تیم وعدی اشاره به ابوبکر و عمر دارد. به واسطه نام جد هفتم ابوبکر که تیم بوده است و به نسب رسول الله می رسد او را تیم نامیده اند و مقصود از "عدی" عمر است. عمر ابن خطاب بن نفیل قریشی عدوی مکنی به ابو حفص. آنگاه معنی بیت اینچنین می شود: علی (ع) آنکه در مقابل ابوسفیان (آل صخر) ایستاد چگونه از تیم وعدی (ابوبکر و عمر) باز می ماند.

۱۸- ابیات:

چکچک و مرگ و جسک و جان کندن

حاسدش را بمانده در گردن

هر کسسی رایضی نداند کرد

بر براقی که مصطفی پرورد

فخری نامه / ۴۲-۱۳۴۱

در حدیقه چاپی به صورت زیر تغییر یافته است:

چکچک و مرگ و جسک و جان‌کندن
رافضی را بمانده در گردن
رافضی رایضی نداند کسرد
برسراقی که مصطفی پرورد

حدیقه/۲۳۲

آیا تغییر بیت به صورت دوم توسط متعصبین سنی مذهب صورت گرفته و یا اینکه خود سنایی ابتدا صورت دوم را سروده و در اواخر عمر هنگام تجدیدنظر در متن نهایی حدیقه که به عوالم تازه ای در تصوف دست یافته است و بی تعصبی مذهبی را تجربه می‌کرده به صورت دیگر درآورده است.

۱۹- در صفحه ۲۸۴ حدیقه چاپی باز دستبرد متعصبین مذهبی دیده می‌شود. صورت بیت سنایی در اصل این است:

عزمت از حضرت نبی و نبی است
در لحاف خلاف خفتن چیست

فخری‌نامه/۱۶۶۸

که در حدیقه به صورت:

غرمت از حضرت نبی و علی است تغییر یافته است. با توجه به علاقه سنایی به صنعت حناس صورت اول که در قدیمی‌ترین نسخه نیز آمده موجه است.

۲۰- بیت شماره ۱۶۷۵ در نسخه بغدادلی وهبی صورت زیبایی از تشابه بین حرف لا و جاروب را که پاک‌کننده همه زشتی‌هاست ارائه می‌دهد که در نسخه مدرس تصحیف شده است:

هر چه جز هستی خدای بسروب
در ره حق بلای هستی روب

فخری‌نامه/۱۶۷۵

و در حدیقه :

هر چه جز هستی خدای بروب
در ره حق بلای هستی روب

حدیقه/۲۸۵

۲۱- در مذمت نفس بهیمی و انواع شهوات در حدیقه مدرس داریم:

ای زشہوت طغارت آلودہ زیردست چہار زن بودہ

حدیقه/۳۷۹

این بیت در فخری نامہ بہ صورت زیر است:

ای زشہوت بہ غایت آلودہ زیردست خمارزن بودہ

ناشنودہ ز فاعل گردون آیت الرجال قوامون

فخری نامہ/۲-۲۷۳۱

است کہ کاملاً روشن است بر اثر اشتباہ کاتبان و تصرف نسخہ نویسان صورت اصلی متن از

بین رفتہ است .

بیت ۲۷۳۲ کہ در فخری نامہ درست بعد از بیت مزبور آمدہ در نسخہ چاپی حدیقه با چندین

بیت فاصلہ آمدہ است.

۲۲- در نکوہش شکم خواری در حدیقه چاپی می خوانیم:

شرہ جانور چو کارآمد تا نیابد مراد نارآمد

حدیقه/۳۷۹

کہ معنی روشنی ندارد. صورت صحیح آن این است .

شرہ جانور ز نارآمد تا نیاید مراد نارآمد

فخری نامہ/۲۸۱۹

کہ بین نارآمد و نارآمد جناس زیبایی برقرار شدہ و معنی روشنی ہم دارد . آز و طمع خصلت

شیطانی است کہ غالب است و تا بہ خواستہ خود نرسد از پای نمی نشیند.

۲۳- در صفحہ ۴۰۴ حدیقه بیتی است کہ نامفہوم است:

پس در این راہ با سلاسل و غل چارقل حرزتست برسرکل

حدیقه/۴۰۴

در اینکہ چہار قل را برای حرز و امان می خوانندہ و می خوانند حرفی نیست ولی معنی برسر

کل چیست؟ در فخری نامہ بہ جای برسرکل «زدیوسہ کل» آمدہ است:

پس درین راہ با سلاسل و غل چارقل حرزتست زدیوسہ کل

فخری نامه/۲۴۶۱

که با توجه به معنی کل به معنی شاخ مفهوم بیست نیز آشکار می شود و مراعات نظیر سه و چهار هم در ضمن در بیت بر وجوه زیبایی شناسانه آن می افزاید.

۲۴- بیت :

کار بدهر که را رفیق بد است ز آنکه بد زنگ آینه خرد است

فخری نامه/۳۷۴۲

در نسخه مدرس به صورت :

کار بدهر که را رفیق بد است ز آنکه بدرنگ عاجز از خرد است

حدیقه/۴۸۱

تحریف یافته است.

۲۵- سنایی در مذمت خویشان و ارقاب در حدیقه ابیاتی دارد و در این میان از بسیاری امثال

سود جسته است نظیر: الارقاب کالعقارب، العم غم و الخال آخال^۱

در فخری نامه داریم:

پس تو گویی فلان مرا خال است سنگدل خال نیست کاخال است

فخری نامه/۳۱۲۳

در حدیقه آخال به صورت تبخال تغییر و تحریف یافته است.

پس تو گویی فلان مرا خال است سنگدل خال نیست تبخال است

حدیقه/۶۶۰

این ابیات مشتی از خروار تفاوت های دو نسخه خطی قدیمی حدیقه و چاپی آن است. تعداد شواهد و امثال بسیار بیش از اینهاست. به همین تعداد کفایت می شود. تا شاهد گویایی بر اصالت و قدمت نسخه فخری نامه باشد و همچنین اغلاط فاحش متن حدیقه را نمودار کند.

۱ - خویشان چون عقرب ها هستند. عمو مایه غم است و دابی دورافکنندی و پست

منابع

- سنایی، حدیقه الحقیقه، تصحیح مدرس رضوی، انتشارات دانشگاه تهران - چاپ ۱۳۶۸، سنایی، کلیات اشعار، علی اصغر بشیرهرروی، افغانستان ۱۳۵۶
- دبروین، حکیم اقلیم عشق، مهیار علوی مقدم - محمد جواد مهدوی - آستان قدس، ۱۳۷۸
- حسینی، مریم، مقاله ناقصی بانظام و کاملی ناتمام، رشد آموزش ادب فارسی پاییز ۷۵
- نظامی عروضی سمرقندی، چهار مقاله، تصحیح دکتر معین، امیرکبیر، ۱۳۶۹
- محمدبن منور، اسرار التوحید، تصحیح شفیع کدکنی، آگاه ۱۳۶۸
- شهیدی سید جعفر، شرح مشکلات دیوان انوری، علمی - فرهنگی، ۱۳۶۴
- انوری، دیوان، مدرس رضوی، علمی فرهنگی ۱۳۶۸
- عطار، فریدالدین، تذکره الاولیاء، استعلامی، زوار، ۱۳۶۳
- مدرس رضوی، تعلیقات حدیقه الحقیقه، علمی ۱۳۴۴

De Brojin, of piety and poetry, 1983, Leiden p. 123.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی